



زیرا همچنان که پدر در خود حیات دارد، همچنین پسر را نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد. یوحنا ۵: ۲۶



یهودیان قرن اول نسبت به دیدگاهشان به رابطه مناسب با حکومت روم، رسومات یهود و مسائل دیگر با هم اختلاف نظر داشتند. با این وجود فریسیان، صدوقیان و سایر فرقه‌های یهودی در برخی اعتقادات بنیادین الهیاتی نقاطی مشترک داشتند. همه یهودیان به خاطر متونی چون پیدایش ۲: ۷ که می‌گوید: «خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید، و آدم نفس زنده شد» تأیید می‌کنند که خداوند، خالق حیات است. متن دیگری چون مزمور ۹۰: ۲ بیان می‌کند که خدای اسرائیل «ازلی و ابدی» است. تنها او در خود حیات دارد و در ذات الهی خویش زنده و نامیرا است. او همیشه بوده و خواهد بود و از آنجایی که خود حیات است، حیات را به کسانی که بخواهد عطا می‌کند.

با توجه به این نکات، سخنان عیسی در یوحنا ۵: ۲۵ – ۲۹ دلایلی دیگر برای اثبات خداوندی او است. عیسی می‌گوید: «زیرا همان گونه که پدر در خود حیات دارد، به پسر نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد» (آیه ۲۶). در اینجا می‌بینیم که اشخاص تثلیث در حالی که از یکدیگر متمایز هستند، دارای صفات الهی یکسانی نیز می‌باشند. حیات داشتن در خود، به معنای خدا بودن است، زیرا فقط خداوند حیات را در ذات خود دارد و برای زیستن به هیچ چیزی خارج از خود نیاز ندارد. هم پدر و هم پسر در خود چنین حیاتی دارند ولی همانطور که الهیدانان بیان کرده‌اند، هر یک از شخصیت‌های تثلیث این حیات را متناسب با تفاوت یا ویژگی شخصیشان دارا هستند. پسر در خود حیات دارد و این حیات را به عنوان پسر ابدی پدر دارا است. بدین ترتیب این حیاتی که به صورت دائمی در پسر وجود داشته است از جانب پدر است. آگوستین می‌نویسد: «پدر در خود حیاتی دارد که هیچ کس به او نداده است، در حالی که پسر در خود حیاتی دارد که پدر به او عطا کرده است». حیاتی که پدر در خود دارد با حیاتی که پسر در خود دارد هیچ تفاوتی نمی‌کند. فقط حیات پسر هدیه‌ای از جانب پدر به پسر است، نه از سوی پسر به پدر. با این وجود، پدر و پسر همیشه وجود داشته‌اند.

از آنجا که پسر همان حیاتی را دارد که پدر دارا است، پسر نیز می‌تواند حیات را عطا کند (آیه ۲۱). در حقیقت، زندگی ابدی که پسر اعطا می‌کند، هم اکنون و از طریق ایمان آغاز می‌شود (آیه ۲۴). در روز آخر، پسر به کسانی که اعمال نیکو کرده باشند، رستخیز از مردگان را برای

زندگی جاودانی عطا می‌کند. آنها بدن‌های جسمانی جدیدی دریافت می‌کنند که برای همیشه محفوظ باقی خواهد ماند (۵: ۲۸ - ۲۹). اما توجه داشته باشید که آنها این حیات را به خاطر اعمالشان دریافت نمی‌کنند زیرا عیسای مسیح در یوحنا ۵: ۲۴ می‌گوید که این حیات از طریق ایمان به او حاصل می‌شود. بنابراین جان کلون در مورد آیات ۲۸ - ۲۹ می‌گوید که «مسیح اکنون به سبب نجات عملی را انجام نمی‌دهد، بلکه صرفاً انتخاب شدگان را از میان گناهکاران متمایز می‌سازد. او این کار را انجام می‌دهد تا دوست‌دارانش را به یک زندگی مقدس و بی‌عیب دعوت و ترغیب کند».

جان کلون در مورد آیات امروز اینگونه سخنان خود را ادامه می‌دهد: «در واقع ما انکار نمی‌کنیم که ایمانی که ما را عادل می‌سازد با یک اشتیاق جدی برای زندگی خوب و عادلانه همراه است بلکه باور داریم که اطمینان ما نمی‌تواند بر اساس هیچ چیز به جز رحمت خداوند باشد». ما حیات ابدی را تنها با اعتماد کردن به پسر دریافت می‌کنیم اما صحت این اعتماد با خدماتمان به خداوند و دیگران اثبات می‌شود.

برای مطالعه بیشتر به مزمور ۵۴ مراجعه کنید.

ای پدر آسمانی، با ایمان به عیسای مسیح به حضورت می‌آیم. خواهش می‌کنم کمکم کن تا با اعتماد به تو گام بردارم و انجیل تو را نه تنها در حرف بلکه در اعمال خودم به دیگران نشان دهم. پدر آسمانی از من استفاده کن تا مثل آینه‌ای نور تو را به دیگران بتابانم. به نام عیسای مسیح، آمین!



اقتباسی از لیونر مینیستری (Ligonier Ministry)